



مقایسه ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه

۱. علی فعله گری*؛ کارشناسی ارشد مدیریت رفتار سازمانی و منابع انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قروه - کردستان - ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: ali.felegari3264@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس شهری و روستایی شهرستان قروه در تمامی مقاطع تحصیلی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بود که از میان آنان ۲۴۰ نفر شامل ۱۳۴ معلم مدارس شهری و ۱۰۶ معلم مدارس روستایی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از خرده‌مقیاس منابع مدرسه در نسخه تجدیدنظر شده پرسشنامه محیط مدرسه جانسون، استیونز و زوج (۲۰۰۷) و مقیاس بهزیستی معلم کولی، شاپکا، پری و مارتین (۲۰۱۵) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و آزمون‌های شاپیرو - ویلک و لوین و همچنین تحلیل واریانس چندمتغیری و تحلیل واریانس تک‌متغیری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ تحلیل شدند. نتایج نشان داد که بین معلمان مدارس روستایی و شهری از نظر ترکیب ادراک از منابع آموزشی و آسودگی شغلی تفاوت معناداری وجود دارد. بررسی جداگانه متغیرها نیز نشان داد که معلمان مدارس شهری ادراک مطلوب‌تری از منابع آموزشی داشتند و از آسودگی شغلی بیشتری برخوردار بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت شرایط محیطی و حرفه‌ای مدارس شهری و روستایی می‌تواند در نحوه ارزیابی معلمان از منابع آموزشی و تجربه آنان از شرایط شغلی مؤثر باشد. بر این اساس، توجه به تأمین منابع آموزشی، تقویت حمایت‌های حرفه‌ای و بهبود شرایط کاری معلمان مدارس روستایی می‌تواند در کاهش تفاوت‌های موجود میان محیط‌های آموزشی شهری و روستایی مؤثر باشد.

کلیدواژه‌گان: ادراک منابع آموزشی، آسودگی شغلی، معلمان روستایی، معلمان شهری، مدارس روستایی، شهرستان قروه.



۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

Comparison of Teachers' Perceptions of Educational Resources and Occupational Well-Being in Rural and Urban Schools of Qorveh County

1. Ali Felegari*: M.A. in Organizational Behavior and Human Resource Management, Islamic Azad University, Qorveh Branch, Kurdistan, Iran

*Corresponding Author's Email: ali.felegari3264@gmail.com

Abstract

The present study aimed to compare teachers' perceptions of educational resources and occupational well-being in rural and urban schools of Qorveh County. In terms of purpose, the study was applied, and in terms of research method, it employed a descriptive causal-comparative design. The statistical population consisted of all teachers working in urban and rural schools at all educational levels in Qorveh County during the 2025–2026 academic year. A total of 240 teachers, including 134 teachers from urban schools and 106 teachers from rural schools, were selected using proportional stratified sampling. Data were collected using the School Resources subscale of the Revised School-Level Environment Questionnaire developed by Johnson, Stevens, and Zvoch (2007), and the Teacher Well-Being Scale developed by Collie, Shapka, Perry, and Martin (2015). The data were analyzed using descriptive statistics, the Shapiro–Wilk and Levene tests, multivariate analysis of variance (MANOVA), and univariate analysis of variance (ANOVA) in SPSS version 26. The results indicated a significant difference between teachers in rural and urban schools in the combined measure of perceptions of educational resources and occupational well-being. Separate analyses also showed that teachers in urban schools had more favorable perceptions of educational resources and higher levels of occupational well-being than teachers in rural schools. These findings suggest that differences in the environmental and professional conditions of rural and urban schools may influence teachers' perceptions of educational resources and their experiences of occupational conditions. Accordingly, improving access to educational resources, strengthening professional support, and enhancing the working conditions of rural school teachers may contribute to reducing disparities between rural and urban educational environments.

Keywords: *Perceptions of Educational Resources, Occupational Well-Being, Rural Teachers, Urban Teachers, Rural Schools, Qorveh County.*



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

معلم یکی از اساسی‌ترین عناصر نظام آموزشی است و کیفیت عملکرد، انگیزش و تجربه شغلی او می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف آموزشی و تربیتی مدارس داشته باشد. این اهمیت در مدارس روستایی و شهری، با توجه به تفاوت در شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی، می‌تواند به شکل‌های متفاوتی بروز پیدا کند. مدارس روستایی معمولاً در محیط‌هایی فعالیت می‌کنند که از نظر دسترسی به امکانات، نیروی انسانی، تجهیزات آموزشی و فرصت‌های حرفه‌ای ممکن است با مدارس شهری تفاوت داشته باشند و معلمان شاغل در این مدارس نیز با شرایط و الزامات خاصی مواجه‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه تجربه معلمان روستایی نشان داده‌اند که تدریس در مناطق روستایی، به‌ویژه در کلاس‌های چندپایه، با چالش‌هایی همچون محدودیت منابع، تنوع نیازهای یادگیرندگان و ضرورت سازگاری با شرایط محیطی همراه است (حدادان و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضائی و جاجنگی، ۱۴۰۲؛ مرتضوی‌زاده و حسینی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، معلمان مدارس شهری نیز در محیطی متفاوت، با انتظارات آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای خاص خود مواجه‌اند. بنابراین، مقایسه تجربه و ادراک معلمان در این دو محیط می‌تواند تصویری روشن‌تر از تفاوت‌های موجود در شرایط کار و زندگی حرفه‌ای آنان ارائه کند.

یکی از مؤلفه‌های مهم در تجربه حرفه‌ای معلمان، ادراک آنان از منابع آموزشی است. منابع آموزشی شامل مجموعه‌ای از امکانات، تجهیزات، مواد آموزشی، فناوری‌ها و منابع موردنیازی است که معلم برای طراحی و اجرای فرایند یاددهی - یادگیری در اختیار دارد. صرف وجود منابع در مدرسه به معنای استفاده مطلوب از آنها نیست، بلکه برداشت معلم از میزان دسترسی، کفایت، تناسب و قابلیت استفاده از این منابع می‌تواند بر تجربه حرفه‌ای او تأثیرگذار باشد. در مدارس روستایی، محدودیت دسترسی به برخی تجهیزات و فناوری‌های آموزشی می‌تواند اهمیت این موضوع را دوچندان کند. پژوهش‌های داخلی نیز به مشکلات و چالش‌های آموزشی معلمان در مناطق روستایی اشاره کرده‌اند و نشان داده‌اند که محدودیت امکانات و منابع می‌تواند بخشی از موانع موجود در مسیر آموزش اثربخش باشد (شکوری و همکاران، ۱۴۰۱؛ رضائی و جاجنگی، ۱۴۰۲). در همین راستا، کورموس و ویزدم (۲۰۲۱) با بررسی مدارس روستایی، بر مسئله شکاف دیجیتال و تفاوت دسترسی به فناوری در تجربه یادگیری تأکید کرده‌اند. همچنین زولکوفسکی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که معلمان روستایی برای ایفای اثربخش نقش خود به مجموعه‌ای از مهارت‌ها، دانش و منابع نیاز دارند. بنابراین، ادراک معلمان از منابع آموزشی را می‌توان یکی از ابعاد مهم در بررسی تفاوت شرایط حرفه‌ای معلمان مدارس روستایی و شهری دانست.

در کنار شرایط عینی محیط کار، وضعیت روان‌شناختی و تجربه شغلی معلم نیز اهمیت زیادی دارد. یکی از مفاهیم قابل توجه در این زمینه، آسودگی شغلی است؛ مفهومی که به احساس راحتی، آرامش، رضایت و تجربه مثبت فرد از موقعیت شغلی خود اشاره دارد. آسودگی شغلی می‌تواند تحت تأثیر عواملی همچون شرایط محیط کار، روابط حرفه‌ای، میزان فشارهای شغلی، حمایت سازمانی و تناسب میان انتظارات و واقعیت‌های شغلی قرار گیرد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که شرایط کاری و ویژگی‌های محیط مدرسه با نگرش و تجربه شغلی معلمان ارتباط دارد. برای نمونه، ویلیامز، سویاجا-هاردی و کووک (۲۰۲۴) در بررسی معلمان یک منطقه شهری، رابطه میان رضایت شغلی و ادراک آنان از شرایط کاری را مورد توجه قرار داده‌اند. همچنین وانگ و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای تطبیقی میان معلمان مناطق روستایی و شهری، تفاوت‌های مربوط به رضایت شغلی این دو گروه را بررسی کرده‌اند. تران و همکاران (۲۰۲۰) نیز با تمرکز بر معلمان مناطق روستایی، بر اهمیت شناخت ویژگی‌های واقعی شغل و شرایط کاری این معلمان در جذب و نگهداشت آنان تأکید کرده‌اند. در مطالعات داخلی نیز مفهوم تاب‌آوری معلمان و نحوه مواجهه آنان با چالش‌های

محیط کار مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند اهمیت شرایط روانی و حرفه‌ای معلم در مواجهه با محیط شغلی را نشان دهد (زین‌آبادی و خبار، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت دو مؤلفه مذکور، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود بیشتر به صورت جداگانه به چالش‌های آموزش در مناطق روستایی، کمبود امکانات، تجربه معلمان کلاس‌های چندپایه، رضایت شغلی یا شرایط کاری معلمان پرداخته‌اند و مطالعاتی که به طور همزمان ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی را در دو محیط روستایی و شهری مقایسه کنند، محدود به نظر می‌رسند. در پژوهش‌های داخلی، مطالعاتی درباره تفاوت‌های آموزشی میان مدارس شهری و روستایی و نیز نیازهای آموزشی معلمان این دو محیط انجام شده است؛ با این حال، بخش قابل توجهی از این مطالعات بر توصیف مشکلات و نیازها تمرکز داشته‌اند (ملکیان، ۱۳۹۳؛ خوش‌آبی، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها به ادراک معلمان از فرصت‌ها، موانع و شرایط آموزشی پرداخته‌اند، اما مقایسه مستقیم این ادراک‌ها میان معلمان مدارس شهری و روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است (خدیبی و همکاران، ۱۴۰۴؛ شکوری و همکاران، ۱۴۰۱). این خلأ در مورد مناطق خاص کشور، به‌ویژه شهرستان‌های استان کردستان، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا شرایط جغرافیایی، پراکندگی مدارس، تفاوت دسترسی به منابع و ویژگی‌های اجتماعی مناطق روستایی می‌تواند تجربه شغلی معلمان را از سایر مناطق متمایز کند. با وجود اهمیت مدارس روستایی در پوشش آموزشی شهرستان قروه، پژوهش‌های میدانی مقایسه‌ای درباره ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری این شهرستان بسیار محدود است و شواهد بومی کافی برای قضاوت درباره تفاوت احتمالی این دو گروه در دسترس نیست. از این رو، پرداختن به این موضوع می‌تواند علاوه بر پر کردن بخشی از خلأ پژوهشی موجود، اطلاعات کاربردی برای مدیران آموزشی در زمینه شناسایی تفاوت‌های محیط کار معلمان و برنامه‌ریزی برای بهبود شرایط آموزشی و شغلی آنان فراهم آورد. همچنین با توجه به اهمیت معلمان در توسعه آموزشی مناطق روستایی، توجه به شرایط حرفه‌ای آنان می‌تواند در جهت ارتقای کیفیت آموزشی این مناطق اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

بنابراین، با توجه به مطالب مطرح شده و اهمیت شرایط متفاوت محیط‌های آموزشی روستایی و شهری، هدف پژوهش حاضر مقایسه میزان ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: آیا بین میزان ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در معلمان مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه تفاوت معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

ادراک معلمان از منابع آموزشی. ادراک معلمان از منابع آموزشی به برداشت و ارزیابی ذهنی آنان از میزان دسترسی، کفایت، تناسب و قابلیت استفاده از منابع موردنیاز برای انجام فعالیت‌های آموزشی اشاره دارد. منابع آموزشی تنها به کتاب و مواد کمک‌آموزشی محدود نمی‌شوند، بلکه تجهیزات آموزشی، فناوری‌های دیجیتال، امکانات فیزیکی، مواد یاددهی - یادگیری و منابع اطلاعاتی را نیز دربرمی‌گیرند. از این منظر، تفاوت میان مدارس صرفاً در مقدار واقعی منابع نیست، بلکه در نحوه ادراک معلمان از کفایت و دسترس‌پذیری این منابع نیز اهمیت دارد. در مدارس روستایی، این مسئله به دلیل پراکندگی جغرافیایی، محدودیت امکانات و تفاوت دسترسی به فناوری می‌تواند برجسته‌تر باشد. یافته‌های پژوهشی داخلی نیز نشان می‌دهد که معلمان مناطق روستایی در فرایند تدریس با چالش‌هایی در زمینه امکانات و منابع آموزشی مواجه‌اند و این عوامل می‌توانند بر کیفیت تجربه آموزشی آنان تأثیر بگذارند (حدادان و همکاران، ۱۳۹۴؛ شکوری و همکاران، ۱۴۰۱).

از نظر تاریخی، مفهوم منابع آموزشی همگام با تحول در الگوهای آموزش تغییر کرده است. در الگوهای سنتی، منابع آموزشی عمدتاً به کتاب درسی، تخته و مواد کمک آموزشی ساده محدود بود؛ اما با گسترش فناوری آموزشی، منابع دیجیتال، اینترنت، تجهیزات چندرسانه‌ای و محیط‌های یادگیری مجازی به بخش مهمی از منابع مورد استفاده معلمان تبدیل شده‌اند. در این تحول، توجه از «داشتن منابع» به «دسترسی مؤثر و استفاده معنادار از منابع» تغییر یافته است. از این رو، ابعاد ادراک منابع آموزشی را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون کفایت منابع، دسترسی به منابع، تنوع منابع، تناسب منابع با نیازهای آموزشی و سهولت استفاده از منابع بررسی کرد. پژوهش خدیوی و همکاران (۱۴۰۴) نیز با تمرکز بر ادراک معلمان از فرصت‌ها و چالش‌های یادگیری زمینه‌محور، نشان می‌دهد که ادراک معلم از فرصت‌ها و امکانات محیط آموزشی در شکل‌گیری تجربه حرفه‌ای و آموزشی او اهمیت دارد.

از منظر نظری، ادراک منابع آموزشی را می‌توان با رویکرد فشار-منابع شغلی تبیین کرد. بر اساس این دیدگاه، منابع موجود در محیط کار می‌توانند به کارکنان در دستیابی به اهداف، کاهش فشارهای شغلی و افزایش احساس توانمندی کمک کنند. در محیط مدرسه نیز دسترسی به منابع آموزشی می‌تواند بخشی از الزامات حرفه‌ای معلم را تسهیل کند و احساس کنترل و اثربخشی بیشتری در او ایجاد نماید. این موضوع در مدارس روستایی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا محدودیت منابع ممکن است معلم را برای دستیابی به اهداف آموزشی با دشواری بیشتری مواجه سازد. کورموس و ویزدم (۲۰۲۱) در بررسی مدارس روستایی، شکاف دیجیتال و تفاوت دسترسی به فناوری را یکی از مسائل مهم تجربه آموزشی دانسته‌اند. همچنین زولکوفسکی و همکاران (۲۰۲۱) بر اهمیت برخورداری معلمان روستایی از دانش، مهارت و منابع موردنیاز برای حمایت از یادگیری اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند.

آسودگی شغلی. آسودگی شغلی به وضعیت مطلوبی از تجربه کاری اشاره دارد که در آن فرد در محیط شغلی خود احساس راحتی، آرامش، رضایت و فشار روانی قابل مدیریت دارد. این مفهوم در ارتباط نزدیک با کیفیت زندگی کاری، رضایت شغلی، بهزیستی شغلی و تجربه مثبت فرد از محیط کار قرار می‌گیرد، هرچند با آنها یکسان نیست. در حوزه آموزش، آسودگی شغلی را می‌توان حاصل تعامل میان ویژگی‌های شغل، منابع موجود، حمایت‌های محیط کار، روابط حرفه‌ای، میزان انتظارات و فشارهای کاری و توانایی فرد برای مدیریت الزامات شغلی دانست. از دیدگاه تاریخی، توجه به وضعیت روانی کارکنان از رویکردهای صرفاً اقتصادی و بهره‌وری‌محور به سوی توجه به نیازهای روان‌شناختی، رضایت و بهزیستی کارکنان حرکت کرده است. در حرفه معلمی نیز این تحول موجب شده است که تجربه شغلی معلم، فراتر از عملکرد آموزشی صرف، به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

از منظر نظری، آسودگی شغلی با نظریه‌های مرتبط با رضایت شغلی، کیفیت زندگی کاری، منابع و تقاضاهای شغلی و بهزیستی شغلی قابل تبیین است. بر اساس رویکرد منابع و تقاضاهای شغلی، زمانی که منابع شغلی مانند حمایت سازمانی، امکانات، فرصت‌های حرفه‌ای و منابع آموزشی با تقاضاها و فشارهای شغل تناسب بیشتری داشته باشند، احتمال تجربه پیامدهای مثبت شغلی افزایش می‌یابد. در مقابل، افزایش فشارها و کاهش منابع می‌تواند زمینه‌ساز فرسودگی و کاهش کیفیت تجربه شغلی شود. در حرفه معلمی، عواملی مانند شرایط مدرسه، میزان امکانات، روابط با مدیر و همکاران، انتظارات کاری و اجتماعی و فرصت‌های تصمیم‌گیری می‌توانند در شکل‌گیری تجربه مثبت یا منفی از شغل نقش داشته باشند. برزیچا و همکاران (۲۰۲۰) نیز در بررسی رضایت شغلی معلمان، نقش ادراک آنان از فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری را مورد توجه قرار داده‌اند و نشان داده‌اند که نحوه ادراک معلمان از محیط کاری با تجربه شغلی آنان ارتباط دارد. از این منظر، مقایسه آسودگی شغلی معلمان مدارس روستایی و شهری می‌تواند تفاوت‌های احتمالی در شرایط محیط کار این دو گروه را آشکار کند.

پیشینه تجربی

در مطالعات داخلی، حدادان و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی تجربه و ادراک معلمان و کارشناسان از آموزش در کلاس‌های چندپایه مناطق روستایی کلیر، نشان دادند که آموزش در این محیط‌ها با مجموعه‌ای از چالش‌های آموزشی و اجرایی همراه است و شرایط خاص مدارس روستایی می‌تواند تجربه حرفه‌ای معلمان را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین شکوری و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای کیفی درباره ادراک معلمان از موانع تحصیل

اثر بخش در روستا، به نقش محدودیت‌های محیطی و آموزشی در فرایند آموزش اشاره کردند. رضائی و جاجنگی (۱۴۰۲) نیز در بررسی مشکلات و چالش‌های معلمان مدارس روستایی و چندپایه، بر وجود مسائل و محدودیت‌هایی تأکید کردند که می‌تواند شرایط کاری معلمان این مدارس را از مدارس شهری متمایز سازد. در پژوهشی دیگر، ملکیان (۱۳۹۳) نیازهای آموزشی معلمان دوره ابتدایی شهری و روستایی شهرستان اهر را بررسی و بر تفاوت نیازهای حرفه‌ای معلمان در این دو محیط تأکید کرد. مجموعه این مطالعات نشان می‌دهد که شرایط آموزشی، منابع، نیازهای حرفه‌ای و چالش‌های معلمان در محیط روستایی می‌تواند با محیط شهری تفاوت داشته باشد و ضرورت مطالعات مقایسه‌ای درباره تجربه حرفه‌ای معلمان را برجسته می‌کند.

در مطالعات خارجی نیز شواهدی درباره تفاوت شرایط کاری و تجربه شغلی معلمان در محیط‌های روستایی و شهری وجود دارد. وانگ، وانگ، باسول و روزل (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «چمن آن سوی دیگر هم خاکستری است»، رضایت شغلی معلمان روستایی و شهری در استان هنان چین را مقایسه کردند و نشان دادند که تجربه شغلی معلمان در این دو محیط را نمی‌توان بدون توجه به شرایط زمینه‌ای و ویژگی‌های محیط مدرسه تبیین کرد. همچنین ویلیامز سوم، سویاجا-هاردی و کووک (۲۰۲۴) رابطه میان رضایت شغلی معلمان و ادراک آنان از شرایط کاری را در یک منطقه شهری بررسی کردند و بر اهمیت شرایط محیط کار در تجربه شغلی معلمان تأکید داشتند. این یافته‌ها در مجموع نشان می‌دهد که هم شرایط و منابع موجود در محیط مدرسه و هم نحوه ادراک معلمان از موقعیت کاری می‌تواند با تجربه شغلی آنان ارتباط داشته باشد. از این رو، مقایسه ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری می‌تواند به درک دقیق‌تر تفاوت‌های محیط حرفه‌ای معلمان کمک کند.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است که با هدف مقایسه میزان ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی در مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس شهری و روستایی شهرستان قروه در تمامی مقاطع تحصیلی در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ بود. حجم نمونه ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد که از این تعداد ۱۳۴ نفر از مدارس شهری و ۱۰۶ نفر از مدارس روستایی انتخاب شدند. از نظر مقطع تحصیلی، ۱۰۸ نفر معلم دوره ابتدایی شامل ۵۸ نفر شهری و ۵۰ نفر روستایی، ۷۸ نفر معلم دوره متوسطه اول شامل ۴۵ نفر شهری و ۳۳ نفر روستایی و ۵۴ نفر معلم دوره متوسطه دوم شامل ۳۱ نفر شهری و ۲۳ نفر روستایی بودند. برای رعایت تناسب جنسیتی با ساختار نیروی انسانی مدارس، از میان معلمان نمونه ۱۴۲ نفر زن و ۹۸ نفر مرد در نظر گرفته شد؛ در گروه شهری ۸۰ نفر زن و ۵۴ نفر مرد و در گروه روستایی ۶۲ نفر زن و ۴۴ نفر مرد بودند. نمونه‌گیری به شیوه طبقه‌ای نسبتی انجام شد؛ به این صورت که ابتدا جامعه بر اساس محل خدمت به دو طبقه شهری و روستایی و سپس بر اساس مقطع تحصیلی طبقه‌بندی شد و سهم هر طبقه متناسب با تعداد معلمان آن تعیین گردید. با توجه به پراکندگی جغرافیایی مدارس روستایی، محدودیت دسترسی به برخی مدارس و کمبود نیروی انسانی به‌ویژه در دوره‌های متوسطه اول و دوم، نمونه‌گیری در طبقات روستایی با هماهنگی مدیریت آموزش و پرورش و استفاده از فهرست مدارس و معلمان واجد شرایط انجام گرفت تا ضمن حفظ نمایندگی طبقات، محدودیت‌های اجرایی و دسترسی نیز کنترل شود.

ابزار پژوهش

الف) پرسشنامه ادراک از منابع آموزشی: برای سنجش ادراک معلمان از منابع آموزشی از خرده‌مقیاس «منابع مدرسه» در نسخه تجدیدنظرشده پرسشنامه محیط مدرسه جانسون، استیونز و زوج (۲۰۰۷) استفاده شد. نسخه تجدیدنظرشده این ابزار ۲۱ ماده و پنج بعد همکاری، تصمیم‌گیری، روابط دانش‌آموزی، نوآوری آموزشی و منابع مدرسه دارد و خرده‌مقیاس منابع مدرسه شامل ۴ ماده است که دسترسی و کفایت تجهیزات و منابع آموزشی را از دیدگاه معلمان ارزیابی می‌کند. پاسخ‌ها در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» نمره‌گذاری می‌شوند و برای گویه‌های معکوس، نمره‌گذاری به‌صورت معکوس انجام می‌گیرد؛ نمره بالاتر نشان‌دهنده ادراک مطلوب‌تر از منابع آموزشی مدرسه است. پژوهش اعتبارسنجی جانسون و همکاران با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، ساختار عاملی و پایایی نسخه تجدیدنظرشده را تأیید کرده

است و ضرایب پایایی ابعاد آن در دامنه قابل قبول قرار داشته‌اند. در پژوهش حاضر، برای خرده‌مقیاس منابع مدرسه نمره کل ۲۰ و دامنه نمره ۴ تا ۲۰ در نظر گرفته شد و میانگین نمره نیز برای مقایسه گروه‌ها محاسبه گردید. ضریب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس منابع مدرسه در پژوهش حاضر ۰٫۸۲ به دست آمد.

ب) پرسشنامه آسودگی شغلی: برای سنجش آسودگی شغلی از مقیاس بهزیستی معلم کولی، شاپکا، پری و مارتین (۲۰۱۵) استفاده شد. این مقیاس ۱۶ ماده دارد و سه بعد «بهزیستی مرتبط با بار کاری» با ۶ ماده، «بهزیستی سازمانی» با ۶ ماده و «بهزیستی مرتبط با تعامل با دانش‌آموزان» با ۴ ماده را دربرمی‌گیرد. این ابزار به‌طور اختصاصی برای سنجش بهزیستی مرتبط با کار معلمان طراحی شده و ساختار سه‌بعدی آن در پژوهش اعتبارسنجی اولیه تأیید شده است؛ همچنین ارتباط ابعاد آن با استرس شغلی، رضایت شغلی و بهزیستی عمومی، شواهدی از روایی سازه آن فراهم کرده است. پاسخ‌دهی به گویه‌ها در مقیاس هفت‌درجه‌ای از «منفی» تا «مثبت» انجام می‌شود و نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح مطلوب‌تر بهزیستی و در این پژوهش، آسودگی شغلی بیشتر است. نمره کل بین ۱۶ تا ۱۱۲ قرار می‌گیرد. در پژوهش حاضر، نمره کل و نمره سه مؤلفه محاسبه شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای بهزیستی مرتبط با بار کاری ۰٫۸۴، بهزیستی سازمانی ۰٫۸۷، بهزیستی مرتبط با تعامل با دانش‌آموزان ۰٫۸۲ و برای کل مقیاس ۰٫۹۰ به دست آمد. مقیاس ۱۶ ماده‌ای کولی و همکاران و سه بعد آن در پژوهش‌های بعدی نیز به‌عنوان ابزار سنجش بهزیستی مرتبط با کار معلمان مورد استفاده قرار گرفته است.

ج) فرم اطلاعات جمعیت‌شناختی: برای گردآوری اطلاعات جمعیت‌شناختی، فرم کوتاهی شامل جنسیت، مقطع تحصیلی، محل خدمت، سابقه تدریس و وضعیت مدرسه تهیه و همراه با پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار معلمان قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات وارد نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ شد. ابتدا برای توصیف ویژگی‌های نمونه و متغیرهای پژوهش از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. سپس پیش‌فرض‌های تحلیل شامل آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها بررسی شد. با توجه به دو گروه مستقل شهری و روستایی و وجود دو متغیر وابسته، برای بررسی تفاوت همزمان گروه‌ها در ادراک از منابع آموزشی و آسودگی شغلی از تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد و در ادامه، برای بررسی تفاوت هر یک از متغیرهای وابسته به‌صورت جداگانه، آزمون‌های تحلیل واریانس تک‌متغیری اجرا گردید. سطح معناداری آزمون‌ها ۰٫۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه پژوهش برحسب محل خدمت، جنسیت و مقطع تحصیلی

متغیر	طبقه	شهری	روستایی	کل
محل خدمت	—	134	106	240
	زن	80	62	142
جنسیت	مرد	54	44	98
	ابتدایی	58	50	108
مقطع تحصیلی	متوسطه اول	45	33	78
	متوسطه دوم	31	23	54

جدول ۱ توزیع فراوانی نمونه پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۴۰ معلم مورد بررسی، ۱۳۴ نفر از مدارس شهری و ۱۰۶ نفر از مدارس روستایی بودند. همچنین ۱۴۲ نفر از نمونه را زنان و ۹۸ نفر را مردان تشکیل دادند. از نظر مقطع تحصیلی نیز بیشترین تعداد معلمان مربوط به دوره ابتدایی با ۱۰۸ نفر و کمترین تعداد مربوط به دوره متوسطه دوم با ۵۴ نفر بود. توزیع نمونه در هر سه مقطع میان مدارس شهری و روستایی متناسب با حجم نمونه تعیین شده انجام شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک محل خدمت

متغیر	محل خدمت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
ادراک معلمان از منابع آموزشی	شهری	134	14.82	2.31	8	20
	روستایی	106	12.91	2.58	6	19
آسودگی شغلی	شهری	134	82.47	10.36	54	105
	روستایی	106	76.84	11.21	48	103

جدول ۲ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را در دو گروه شهری و روستایی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین ادراک معلمان از منابع آموزشی در گروه شهری ۱۴٫۸۲ و در گروه روستایی ۱۲٫۹۱ بوده است؛ بنابراین معلمان مدارس شهری منابع آموزشی موجود را در سطح بالاتری ادراک کرده‌اند. همچنین میانگین آسودگی شغلی در معلمان مدارس شهری ۸۲٫۴۷ و در معلمان مدارس روستایی ۷۶٫۸۴ به دست آمده است. انحراف معیارها نشان می‌دهد که پراکندگی نمرات در هر دو گروه در محدوده قابل قبول قرار دارد.

جدول ۳. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیر	محل خدمت	آماره شاپیرو-ویلک	درجه آزادی	سطح معناداری
ادراک معلمان از منابع آموزشی	شهری	0.986	134	0.184
	روستایی	0.982	106	0.167
آسودگی شغلی	شهری	0.991	134	0.536
	روستایی	0.987	106	0.382

جدول ۳ نتایج آزمون شاپیرو-ویلک را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون برای هر دو متغیر در هر دو گروه بیشتر از ۰٫۰۵ است. بنابراین فرض نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای پژوهش رد نمی‌شود و داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. در نتیجه، استفاده از آزمون‌های پارامتریک و تحلیل واریانس چندمتغیری برای بررسی تفاوت دو گروه مناسب است.

جدول ۴. نتایج آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها

متغیر	آماره لوین	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
ادراک معلمان از منابع آموزشی	1.247	1	238	0.265
آسودگی شغلی	0.938	1	238	0.334

جدول ۴ نتایج آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌های دو گروه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سطح معناداری آزمون لوین برای هر دو متغیر بیشتر از ۰٫۰۵ است. بنابراین تفاوت معناداری بین واریانس‌های دو گروه مشاهده نمی‌شود و پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها برقرار است. بر این اساس، شرایط لازم برای اجرای تحلیل واریانس چندمتغیری و آزمون‌های تک‌متغیری فراهم است.

جدول ۵. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای مقایسه دو گروه شهری و روستایی

اثر	شاخص آماری	مقدار F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری	مجذور اتای جزئی
محل خدمت	ویلکز لامبدا	0.931	8.79	2	237	0.001
						0.069

جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری را برای بررسی تفاوت همزمان دو گروه شهری و روستایی در ترکیب متغیرهای وابسته نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، اثر محل خدمت بر ترکیب خطی ادراک معلمان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی معنادار است ($F=8.79$ ، $p<0.001$). مقدار ویلکز لامبدا برابر با ۰٫۹۳۱ و مجذور اتای جزئی برابر با ۰٫۰۶۹ به دست آمده است. بنابراین، بین معلمان مدارس شهری و

روستایی از نظر مجموعه دو متغیر مورد بررسی تفاوت معناداری وجود دارد. در ادامه، برای تعیین اینکه این تفاوت در کدام یک از متغیرهای وابسته وجود دارد، آزمون‌های واریانس تک‌متغیری انجام شد.

جدول ۶. نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری برای مقایسه ادراک از منابع آموزشی و آسودگی شغلی

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجدور اتای جزئی
ادراک معلمان از منابع آموزشی	222.71	1	222.71	36.73	0.001	0.134
خطا	1442.86	238	6.06	—	—	—
آسودگی شغلی	1904.53	1	1904.53	17.09	0.001	0.067
خطا	26517.84	238	111.42	—	—	—

جدول ۶ نتایج آزمون‌های واریانس تک‌متغیری را برای تعیین تفاوت هر یک از متغیرهای وابسته بین معلمان مدارس شهری و روستایی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تفاوت دو گروه در ادراک معلمان از منابع آموزشی معنادار است ($p < 0.001$, $F = 36.73$) و با توجه به میانگین‌های جدول ۲، معلمان مدارس شهری ادراک مطلوب‌تری از منابع آموزشی داشته‌اند. همچنین تفاوت دو گروه در آسودگی شغلی نیز معنادار است ($p < 0.001$, $F = 17.09$)؛ به‌طوری‌که میانگین آسودگی شغلی معلمان مدارس شهری بالاتر از معلمان مدارس روستایی بوده است. مقدار مجدور اتای جزئی نشان می‌دهد که محل خدمت ۱۳٫۴ درصد از واریانس ادراک از منابع آموزشی و ۶٫۷ درصد از واریانس آسودگی شغلی را تبیین می‌کند. در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که معلمان مدارس شهری و روستایی شهرستان قروه در هر دو متغیر مورد بررسی تفاوت معناداری دارند و میانگین هر دو متغیر در گروه شهری بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان معلمان مدارس روستایی و شهری شهرستان قروه از نظر ادراک از منابع آموزشی و آسودگی شغلی تفاوت معناداری وجود دارد. به‌طور کلی، معلمان مدارس شهری منابع آموزشی موجود در محیط مدرسه را مطلوب‌تر ارزیابی کردند و از آسودگی شغلی بیشتری برخوردار بودند. این یافته بیانگر آن است که محل خدمت می‌تواند با کیفیت ادراک معلم از امکانات و منابع آموزشی و همچنین تجربه روان‌شناختی او از محیط شغلی ارتباط داشته باشد. در واقع، تفاوت میان دو محیط آموزشی تنها به برخورداری عینی از امکانات محدود نمی‌شود، بلکه نحوه تجربه و ارزیابی معلمان از شرایط کاری نیز می‌تواند در مدارس شهری و روستایی متفاوت باشد.

نتایج این پژوهش با بخشی از یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی همسو است. حدادان و همکاران (۱۳۹۴) در بررسی تجربه معلمان مناطق روستایی، به چالش‌ها و شرایط خاص آموزش در مدارس چندپایه اشاره کردند که می‌تواند بر تجربه حرفه‌ای معلمان اثرگذار باشد. شکوری و همکاران (۱۴۰۱) نیز در مطالعه ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا، بر وجود محدودیت‌های محیطی و آموزشی تأکید داشتند. همچنین رضائی و جاجنگی (۱۴۰۲) مشکلات و چالش‌های معلمان مدارس روستایی و چندپایه را برجسته کردند. در مطالعات خارجی نیز وانگ و همکاران (۲۰۲۵) با مقایسه معلمان روستایی و شهری، تفاوت در تجربه شغلی و رضایت آنان را مورد توجه قرار دادند و ویلیامز سوم، سویاجا-هاردی و کووک (۲۰۲۴) نیز ارتباط شرایط کاری با تجربه شغلی معلمان را نشان دادند. همسویی این یافته‌ها با نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محیط مدرسه و کیفیت شرایط کاری می‌تواند در شکل‌گیری تجربه حرفه‌ای متفاوت معلمان نقش داشته باشد.

یافته‌های پژوهش را می‌توان بر اساس نظریه منابع و تقاضاهای شغلی نیز تبیین کرد. بر اساس این دیدگاه، منابع شغلی از طریق تسهیل دستیابی به اهداف، کاهش فشارهای کاری و افزایش احساس توانمندی، می‌توانند پیامدهای مثبت شغلی را تقویت کنند. بر این اساس، برخورداری بیشتر از منابع آموزشی می‌تواند بخشی از دشواری‌های حرفه‌ای معلم را کاهش داده و احساس کنترل و اثربخشی بیشتری ایجاد کند؛ در مقابل، محدودیت منابع ممکن است انجام وظایف آموزشی را دشوارتر کرده و زمینه فشار شغلی بیشتری را فراهم سازد. بنابراین، پایین‌تر بودن ادراک منابع آموزشی

و آسودگی شغلی در میان معلمان مدارس روستایی را می‌توان در چارچوب تفاوت میان منابع در دسترس و تقاضاهای محیط شغلی تفسیر کرد. همچنین دیدگاه‌های مرتبط با کیفیت زندگی کاری نشان می‌دهند که تجربه مطلوب از شغل تنها به ماهیت وظایف محدود نیست و شرایط محیطی، امکانات، حمایت‌ها و کیفیت روابط کاری نیز در آن نقش دارند.

از دیدگاه نویسنده، تفاوت مشاهده‌شده در آسودگی شغلی معلمان مدارس شهری و روستایی را می‌توان تا حدی از مسیر ارتباط میان منابع شغلی و تقاضاهای حرفه‌ای توضیح داد. در مدارس روستایی، محدودیت در دسترسی به منابع آموزشی، تجهیزات، فناوری و خدمات پشتیبان ممکن است موجب شود معلم برای دستیابی به همان اهداف آموزشی، تلاش و انرژی بیشتری صرف کند. به بیان دیگر، هنگامی که منابع لازم برای انجام وظایف حرفه‌ای کاهش می‌یابد، بخشی از انرژی معلم به جای تمرکز بر فرایند تدریس، صرف جبران کمبودها و یافتن راه‌های جایگزین می‌شود. تداوم چنین وضعیتی می‌تواند فشار ادراک‌شده را افزایش داده، احساس کنترل بر محیط کار را کاهش دهد و در نهایت از تجربه آرامش و آسودگی شغلی بکاهد. این سازوکار می‌تواند توضیحی برای پایین‌تر بودن آسودگی شغلی معلمان روستایی در پژوهش حاضر باشد. از سوی دیگر، دسترسی مناسب‌تر به منابع در مدارس شهری می‌تواند انجام وظایف آموزشی را تسهیل کند، میزان تلاش اضافی موردنیاز برای جبران محدودیت‌ها را کاهش دهد و احساس کفایت و کنترل بیشتری در معلم ایجاد کند. از این منظر، تفاوت مشاهده‌شده در آسودگی شغلی صرفاً یک تفاوت عددی میان دو گروه نیست، بلکه می‌تواند بازتاب تفاوت در کیفیت منابع و الزامات محیط حرفه‌ای آنان باشد. اندازه اثر به‌دست آمده برای محل خدمت در آسودگی شغلی نیز نشان می‌دهد که این تفاوت از نظر عملی قابل توجه است و نمی‌توان آن را صرفاً ناشی از نوسان تصادفی داده‌ها دانست. همچنین تفاوت مشاهده‌شده در ادراک منابع آموزشی، با این تبیین همخوان است؛ زیرا هرچه معلم منابع بیشتری را در اختیار و در دسترس خود ادراک کند، احتمال آنکه بتواند تقاضاهای آموزشی را با فشار کمتر مدیریت کند افزایش می‌یابد. بنابراین، می‌توان گفت بخشی از تفاوت آسودگی شغلی میان معلمان روستایی و شهری، در چارچوب رابطه متقابل میان منابع در دسترس، فشارهای حرفه‌ای، احساس کنترل و تجربه روان‌شناختی از محیط کار قابل فهم است.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت میان مدارس روستایی و شهری را نباید صرفاً از منظر محل استقرار مدرسه بررسی کرد، بلکه باید به تفاوت در منابع آموزشی و کیفیت تجربه شغلی معلمان نیز توجه داشت. ارتقای کیفیت آموزش در مناطق روستایی مستلزم توجه همزمان به تأمین و دسترس‌پذیری منابع آموزشی و فراهم کردن شرایطی است که معلمان بتوانند وظایف حرفه‌ای خود را با فشار کمتر و احساس امنیت و آرامش بیشتری انجام دهند. از این منظر، توجه به شرایط واقعی معلمان مدارس روستایی می‌تواند بخشی از سیاست‌های کاهش نابرابری آموزشی میان مناطق شهری و روستایی باشد.

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی، مقطعی بودن مطالعه و تمرکز پژوهش بر معلمان شهرستان قروه اشاره کرد که تعمیم نتایج به سایر مناطق را با احتیاط همراه می‌سازد. همچنین پراکندگی مدارس روستایی و دشواری دسترسی به معلمان، به‌ویژه در مقاطع بالاتر تحصیلی، از محدودیت‌های اجرایی پژوهش بود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده این موضوع در شهرستان‌ها و استان‌های دیگر نیز بررسی شود و علاوه بر روش کمی، از مصاحبه با معلمان برای شناخت عمیق‌تر تجربه آنان از منابع آموزشی و آسودگی شغلی استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران آموزش و پرورش با شناسایی کمبودهای واقعی مدارس روستایی، تأمین منابع آموزشی و فناوری‌های موردنیاز و تقویت حمایت‌های حرفه‌ای از معلمان این مدارس را در اولویت برنامه‌ریزی‌های آموزشی قرار دهند.

منابع

- خدیبی، اسداله؛ کاردان حلویی، زیلا و اقبالی، علی. (۱۴۰۴). واکاوی ادراک معلمان از فرصت‌ها و چالش‌های تحقق رویکرد یادگیری زمینه‌محور در درس علوم دوره ابتدایی. رهبری آموزشی کاربردی، ۱۶(۱)، ۱۳۰-۱۵۲.
- خوش‌آبی، مهین. (۱۴۰۴). بررسی تفاوت‌های آموزشی میان مدارس شهری و روستایی ایران: تحلیل چالش‌ها و شناسایی فرصت‌های توسعه. بیست و هفتمین کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی، بابل.

- رضائی، مهدیه و جاجنگی، مرجان. (۱۴۰۲). بررسی مشکلات و چالش های معلمان در مدارس روستایی و چند پایه. هشتمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.
- زین آبادی، حسن رضا و خباره، کبری. (۱۳۹۹). تاملی بر پدیده معلم تاب آور؛ پدیدارشناسی نگرش ها و تجربیات زیسته معلمان. مدیریت و برنامه ریزی در نظام های آموزشی، ۱۳(۱) (پیاپی ۲۴)، ۱۳-۳۶.
- شکوری، علی؛ سرکشیکیان، سید مهدی و راجی، زهرا. (۱۴۰۱). مطالعه کیفی ادراک معلمان از موانع تحصیل اثربخش در روستا. رویش روان شناسی، ۱۱(۶)، ۲۱۷-۲۲۸.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله و حسنی، محمد. (۱۴۰۰). واکاوی تجارب زیسته معلمان تازه کار از چالش های تدریس در کلاس های چندپایه. رویکردهای نوین آموزشی، ۱۶(۱)، ۱۱۵-۱۴۰.
- ملکیان، بهرام. (۱۳۹۳). بررسی نیاز های آموزشی معلمان دوره ابتدایی شهری و روستایی شهرستان اهر در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- Brezicha, K. F., Ikoma, S., Park, H., & LeTendre, G. K. (2020). The ownership perception gap: Exploring teacher job satisfaction and its relationship to teachers' and principals' perception of decision-making opportunities. *International Journal of Leadership in Education*, 23(4), 428-456.
- Collie, R. J., Shapka, J. D., Perry, N. E., & Martin, A. J. (2015). Teacher well-being: Exploring its components and a practice-oriented scale. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 33(8), 744-756. <https://doi.org/10.1177/0734282915587990>
- Johnson, B., Stevens, J. J., & Zvoch, K. (2007). Teachers' perceptions of school climate: A validity study of scores from the revised School-Level Environment Questionnaire. *Educational and Psychological Measurement*, 67(5), 833-844. <https://doi.org/10.1177/0013164406299102>
- Kormos, E., & Wisdom, K. (2021). Rural schools and the digital divide: Technology in the learning experience. *Theory & Practice in Rural Education*, 11(1), 25-39.
- Tran, H., Hardie, S., Gause, S., Moyi, P., & Ylimaki, R. (2020). Leveraging the Perspectives of Rural Educators to Develop Realistic Job Previews for Rural Teacher Recruitment and Retention. *Rural Educator*, 41(2), 31-46.
- Wang, M., Wang, H., Boswell, M., & Rozelle, S. (2025). "The grass is Grey on both sides": rural and urban teacher job satisfaction in Henan Province, China. *SAGE Open*, 15(2), 21582440251337662.
- Williams III, J. A., Svjada-Hardy, M., & Kwok, A. (2024). Teachers' job satisfaction and perceptions of working conditions in an urban emergent school district. *Learning Environments Research*, 27(3), 819-839.
- Zolkoski, S. M., Aguilera, S. E., West, E. M., Miller, G. J., Holm, J. M., Sass, S., & Stokes, E. L. (2021). Teacher perceptions of skills, knowledge, and resources needed to promote social and emotional learning in rural classrooms. *The Rural Educator*, 41(3), 1-11.